

مقایسه دلبستگی به والدین، دانش و نگرش جنسی و نگرش نسبت به انتخاب همسر در دانش آموزان خانواده‌های طلاق و عادی

Comparison of the attachment to parents, sexual knowledge and attitude and attitude to mate selection in students of divorced and normal families

Ezatolla Ghadampour
Lorestan University
Leila Heidaryani &
Mahdi Barzegar Bafrooei
Educational Psychology
Ghaffar Nasiri Hanis
General Psychology

عزت‌اله قدم‌پور*
دانشگاه لرستان
لیلا حیدریانی و
مهدی برزگر بفرویی
روانشناسی تربیتی
غفار نصیری‌هانیس
روانشناسی عمومی

چکیده: هدف پژوهش حاضر مقایسه دلبستگی به والدین، دانش و نگرش جنسی و نگرش نسبت به انتخاب همسر در دانش‌آموزان خانواده‌های طلاق و عادی بود. روش پژوهش حاضر، توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای بود. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر خرم‌آباد در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بود. تعداد ۱۸۰ دانش‌آموز دختر (۹۰ دانش‌آموز خانواده طلاق و ۹۰ دانش‌آموز خانواده عادی) در این پژوهش شرکت کردند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های دلبستگی به والدین (IPPA-R)، دانش و نگرش جنسی (SKAS) و نگرش نسبت به انتخاب همسر (ARMSS) استفاده شد. نتایج نشان داد که بین گروه‌های طلاق و عادی از نظر میزان دلبستگی به والدین، نگرش جنسی و نگرش نسبت به انتخاب همسر با یکدیگر تفاوت معناداری وجود دارد ($p < 0/05$)، به نحوی که میزان دلبستگی به والدین، نگرش جنسی و نگرش نسبت به انتخاب همسر در دانش‌آموزان خانواده‌های عادی بیشتر از دانش‌آموزان خانواده‌های طلاق بود، اما از لحاظ متغیر دانش جنسی تفاوت معناداری میان دو گروه ملاحظه نشد. بر اساس نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود که نتایج این‌گونه تحقیقات در اختیار مراکز و سازمان‌های مختلف مربوطه قرار گیرد تا آنها بتوانند بر اساس نتایج پژوهش، برنامه‌ریزی مناسبی داشته باشند.

واژه‌های کلیدی: دلبستگی به والدین، دانش و نگرش جنسی، نگرش نسبت به انتخاب همسر، طلاق

Abstract: The aim of the present study was to examine students' attachment to parents, sexual knowledge and attitude and attitude to mate selection in divorced and normal families. The statistical population consisted of all female high school students in Korramabad in the academic year 2017-18. 180 students (90 from divorced and 90 from normal families) participated in this study, completing the Attachment to Parents (IPPA-R), the Sexual Knowledge and Attitude Scale (SKAS) and the Attitude to Mate Selection Scale (ARMSS). The results showed a significant difference between divorced and normal groups in terms of attachment to parents, sexual knowledge and attitude and attitude to mate selection ($P < 0.05$). students from normal families scored higher on attachment to parents, sexual knowledge and attitude and attitude to mate selection than those from divorced families. However, no significant difference was observed between the two groups in terms of sexual knowledge. The based on the results of this research it is suggested that results of such research available to different centers and organizations so that they can plan well based on the results of the research.

Keywords: attachment to parents, sexual knowledge and attitude, attitude to mate selection, divorce

*نشانی پستی نویسنده مسوول: خرم‌آباد- کمالوند- کیلومتر ۵ جاده تهران- خرم‌آباد- دانشگاه لرستان- گروه روان‌شناسی. پست الکترونیکی: ghadampour.e@lu.ac.ir

Received: 5 Feb 2018

Accepted: 17 Jul 2018

دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۶ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۲۶

مقدمه

ازدواج و تشکیل خانواده خدمتی است برای پدید آوردن یک خانواده، آسایش و خوشبختی و نشاط؛ با این حال این کانون آسایش گاهی اوقات به ناآرامی زناشویی منجر می‌شود (باقریان و کاظمیان، ۱۳۹۰). به‌طور کلی رشد شخصیت فرد متأثر از والدین است و فقدان یکی یا هر دوی آنها می‌تواند آثار زیانباری بر رشد شخصیت فرد داشته باشد و زمینه‌ی استعداد فردی را برای بیماری‌های روانی یا مشکلات رفتاری فراهم آورد (خجسته‌مهر، ممبینی و اصلانی، ۱۳۹۲). طلاق^۱ یک مسئله اجتماعی جدی است و هر ساله بر تعداد قابل‌توجهی از بزرگسالان و کودکان تأثیر می‌گذارد. آمارها نشان می‌دهند که سالانه بیش از یک میلیون کودک از طریق فرایند طلاق به مراکز بهزیستی انتقال داده می‌شوند (بینگ، نلسون و سلوسکی، ۲۰۰۹) و تقریباً ۴۰ درصد از همه کودکان در طول زندگی خود طلاق والدین را تجربه خواهند کرد (آرکس، ۲۰۱۳). مراکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها^۲ (۲۰۱۵) تخمین می‌زنند که بیش از ۲ میلیون نفر در ایالات متحده هر سال ازدواج خواهند کرد. با این حال، بسیاری از این ازدواج‌ها به طلاق منجر می‌شود. همچنین طبق آمارهای ثبت احوال کشور ایران، فقط در ۱۰ سال اخیر نزدیک به یک میلیون طلاق در ایران رخ داده است که در نتیجه آن حدود ۲ میلیون زن و مرد فقط در همین مدت کم، واقعا طلاق را تجربه کرده‌اند (نریمانی، عباسی، بکیان و بختی، ۱۳۹۳). مطالعات مختلف نشان می‌دهند که روند افزایش طلاق در نیم قرن اخیر یک روند جهانی است و معلول تغییرات اقتصادی، جمعیتی، حقوقی، ارزشی و فرهنگی است. اگر چه بعضی از کودکان نتایج مثبتی از طلاق والدین را تجربه می‌کنند، اما تعداد قابل‌توجهی از تحقیقات بر تأثیرات مضر طلاق متمرکز شده است. برای مثال، کودکان خانواده‌های طلاق در مقایسه با کودکان خانواده‌های بدون طلاق روابط اجتماعی ضعیف‌تر با افراد دیگر، عملکرد تحصیلی پایین‌تر و تأخیر در رشد روان‌شناختی^۳ (آپهولد کریر و یوتز، ۲۰۱۲؛ کارترایت، ۲۰۰۸)، خودپنداره منفی^۴ (آماتو، ۲۰۰۱)،

افسردگی^۵ (زیل، مارینسون و کوپرو، ۱۹۹۳)، مشکلات هیجانی^۶ (داوسن، ۱۹۹۱) و مشکلات بیرونی (بری‌ویک و آلوز، ۲۰۰۶) را تجربه می‌کنند. جدایی و طلاق برای تمام اعضای خانواده استرس بزرگی محسوب می‌شود و ممکن است منجر به واکنش‌های ناسازگارانه کوتاه‌مدت و بلندمدت شود. علاوه بر آن، تجربه طلاق، سازگاری زوجین و فرزندان آنها را در تمام ابعاد (روانشناختی، جسمانی، اجتماعی و هیجانی) تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و باعث کاهش عملکرد و ناکارآمدی اعضای خانواده پس از طلاق می‌شود (سعادت، رستمی و درآبادی، ۱۳۹۵).

سیستم خانواده به‌عنوان عمده‌ترین نهاد اجتماعی، اولین نظام مؤثر بر نحوه رشد کودکان و نوجوانان محسوب می‌شود و عوامل مختلف موجود در آن هر یک به شیوه متفاوتی بر فرایند تحول فرزندان به‌عنوان محصول خانواده تأثیرگذارند. در میان این عوامل موضوع دلبستگی^۷، توجه بسیاری را به خود معطوف داشته و به‌نظر می‌رسد با فرایند طلاق آمیخته باشد. یکی از مفروضات اساسی در نظریه دلبستگی^۸، تفاوت در سبک‌های دلبستگی^۹ است؛ سبک دلبستگی ایمن در برابر سبک دلبستگی ناایمن به کیفیت روابطی که فرد در طول زندگی تجربه کرده است، اشاره دارد (بالبی، ۱۹۸۲). به‌عنوان نمونه، نظریه‌پردازان دلبستگی بر این باورند که سبک دلبستگی ایمن از روابط نزدیک، پاسخگو بودن به نیازها و حمایت‌ها به وجود می‌آید و برعکس آنهایی که تاریخچه روابط نامطلوب و غیر پاسخگو دارند دارای سبک دلبستگی ناایمن هستند (فرالی و هفرنان، ۲۰۱۵).

نظریه دلبستگی، چشم‌انداز مهمی را در مورد طلاق فراهم می‌کند، زیرا طلاق شامل اختلال و اغلب ختم دلبستگی ایمن است. اگرچه بسیاری از محققان قبلاً رابطه بین طلاق والدین و دلبستگی را مورد بررسی قرار داده‌اند (آدن، ۲۰۰۳؛ ریگز و جکوتیز، ۲۰۰۲؛ کیلمن، کارنزا و ون دیمیا، ۲۰۰۶). اما پژوهش حاضر قصد دارد تا سبک‌های دلبستگی را به‌عنوان سبک ارتباطی (روابط با پدر، مادر، شرکای عشقی و غیره) بررسی کند. از دیدگاه نظریه

5. depression
6. emotional problem
7. attachment
8. theory attachment
9. attachment styles

1. divorce
2. centers for disease control and prevention
3. psychological growth
4. negative self-concept

والدین و غیبت پدر با مقاربت جنسی نوجوانان و زودانزالی ارتباط دارد (فرانک، فرانستبرگ، جولین و تیتلر، ۱۹۹۴). همچنین نتایج نشان داده‌اند که پسران خانواده‌های طلاق نسبت به هم‌نوعان غیرطلاق، شریکان جنسی (دوستی‌های نابه‌جای) بیشتری دارند (اد و وینست، ۲۰۰۵).

نگرش نوجوانان نسبت به انتخاب همسر^۳ یکی دیگر از متغیرهایی است که از سیستم خانواده تأثیر می‌پذیرد. عقاید و نگرش‌های بزرگسالان پیرامون طلاق و ازدواج و اعتقادات عاشقانه آنها می‌تواند به شدت تحت تأثیر خانواده‌های خود قرار گیرد، به‌ویژه زمانی که والدین آنها از هم جدا شده‌اند. اسپریچر و میتز (۱۹۸۹) بر این باورند که اعتقادات و نگرش‌های عاشقانه می‌توانند تعیین کنند که چگونه افراد یک رابطه موفق یا رضایت‌بخش را مشاهده کرده‌اند. این پژوهشگران معتقدند که نگرش‌ها و باورهای عاشقانه از این باور که عشق واقعی برای همیشه به طول می‌انجامد و این عشق تمام موانع را برطرف می‌کند ناشی می‌شود. شناسایی درست و ارزیابی صحیح نگرش نسبت به انتخاب همسر، یکی از اساسی‌ترین فعالیت‌ها در مطالعاتی است که هدف آنها پیش‌بینی و شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی زناشویی^۴ است (هولمن، ۲۰۰۰؛ به نقل از شیر، گل‌محمدیان و حجت‌خواه، ۱۳۹۵). اکثر مطالعات در مورد تأثیر طلاق والدین بر نگرش‌های خانوادگی در ایالات متحده انجام شده و از ارتباط بین تجربه طلاق و نگرش‌های خانوادگی بین فرزندان طلاق و فرزندان بدون طلاق حمایت می‌کنند؛ به‌طوری‌که کودکان طلاق تمایل بیشتری نسبت به طلاق دارند و نگرش‌شان نسبت به طلاق مثبت است (آکسین و ترنتون، ۱۹۹۶؛ آماتو و بوث، ۱۹۹۱؛ روتالو و کاسرو، ۲۰۱۶؛ شیمکوسکی‌جنا، و همکاران، ۲۰۱۸). تحقیقی دیگر این نکته را آشکار کرده است که کودکان حاصل طلاق، تعهد کمتری نسبت به زندگی زناشویی دارند (وولفینگر، ۲۰۰۵). با توجه به نگرش‌های مثبت طلاق در نوجوانی، ممکن است جوانان در معرض خطر بیشتر طلاق در زندگی زناشویی باشند. تحقیقات نشان داده است که افرادی که دارای نگرش مثبت نسبت به طلاق هستند احتمال بیشتری دارند که در آینده طلاق بگیرند (آماتو و دیوئر، ۲۰۰۱). یافته‌های تحقیق آماتو و

سیستم‌های خانواده^۱، انتظار می‌رود که تغییر در هر رابطه‌ای در خانواده بر تمام روابط و تعاملات دیگر تأثیر بگذارد (اسمیت و هامون، ۲۰۱۲). فرایند طلاق می‌تواند این نوع رابطه را دچار اختلال کند (آماتو و کیت، ۱۹۹۱) به‌گونه‌ای که حتی در بزرگسالی فرزند حاصل از طلاق چنین رابطه ضعیفی را در آینده در روابط عاشقانه و رمانتیک خود نشان دهد (شیمکوسکی‌جنا، پانیونت‌کاتر، کاول، مالیندا و نورمن‌ماری، ۲۰۱۸). مطالعات گزارش کرده‌اند که بعد از طلاق، تفاوت‌های جنسیتی نیز در روابط به‌وجود می‌آید به‌گونه‌ای که کودکان اغلب از پدرهای خود فاصله می‌گیرند (لامن‌بلینگز و امری، ۲۰۰۰).

متغیر دیگری که به‌نظر می‌رسد از فرایند طلاق تأثیر می‌پذیرد، دانش و نگرش جنسی^۲ نوجوانان و جوانان است، یعنی باورهایی که در مورد فعالیت‌ها و نقش‌های جنسی وجود دارد (کورسینی، ۲۰۰۲). نگرش‌های جنسی تأثیر مهمی در ادراک رفتار جنسی، میل و رضایت جنسی دارند (بشارت، میرزایی، غلامعلی لوانسانی و نقی‌پور، ۱۳۹۶). نگرش جنسی افراد تحت تأثیر خانواده، گروه همسالان و رسانه‌ها، اعتقادات مذهبی و جنسیت فرد قرار می‌گیرد (هونگ، وویسن، کریس‌هام، فرانیل و شاغر و کرومن‌ماونتین، ۲۰۱۶). نگرش جنسی می‌تواند به دو شکل کلی آزاداندیشانه و محافظه‌کارانه وجود داشته باشد. افرادی که نگرش آزاداندیشانه دارند، در مورد مسائل جنسی مانند نقش‌های جنسی، ارضاشدن و انواع فعالیت جنسی نگرش باز و انعطاف‌پذیر دارند. در مقابل، افرادی که محافظه‌کار هستند تمایل کمتری به پذیرش دیدگاه‌های مرتبط با مسائل جنسی دارند و انعطاف‌پذیری کمتری نشان می‌دهند (لمر، بلاجت، سلفیا و بنسون، ۲۰۱۳). وقتی والدین طلاق می‌گیرند، نگرش فرزندان‌شان نسبت به رفتار جنسی تغییر می‌کند. موافقت نسبت به روابط جنسی قبل از ازدواج و طلاق افزایش یافته در حالی‌که ازدواج و تولد فرزندان کاهش می‌یابد (ویلیام و آرنلد، ۱۹۹۶). برای مثال مطالعات در آمریکا و انگلیس نشان داده است که دختران والدین طلاق نسبت به دختران بدون طلاق به روابط جنسی قبل از ازدواج تمایل بیشتری دارند (کاتلین، ۱۹۹۲؛ ویلیام و آرنلد، ۱۹۹۶). برای پسران، طلاق

3. attitude to mate selection
4. marital quality of life
5. Holman, T. B.

1. the theory of family systems
2. sexual knowledge & attitude

پژوهش به صورت تصادفی چندمرحله‌ای به تعداد ۱۸۰ نفر (۹۰ دانش‌آموز خانواده طلاق و ۹۰ دانش‌آموز خانواده عادی) انتخاب شدند. در مرحله اول از بین نواحی آموزش و پرورش شهر خرم‌آباد، ناحیه دو به صورت تصادفی ساده انتخاب شد و همه دبیرستان‌های دخترانه این ناحیه انتخاب شدند. در مرحله دوم، فهرست تمامی دانش‌آموزان دختر خانواده‌های طلاق که در پایه‌های اول، دوم، سوم و پیش‌دانشگاهی این ناحیه مشغول به تحصیل بودند تهیه شد و از بین آن دانش‌آموزان، نمونه آماری به شیوه تصادفی ساده انتخاب شد. در آخر برای انتخاب نمونه دانش‌آموزان عادی به منظور کنترل برخی متغیرهای مزاحم از قبیل پایگاه اجتماعی-اقتصادی از همان کلاسی که دانش‌آموزان فرزندان خانواده‌های طلاق انتخاب شده بودند دانش‌آموزان خانواده‌های عادی نیز به شیوه تصادفی ساده به تعداد دانش‌آموزان خانواده‌های طلاق انتخاب شدند. در نهایت به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و تحلیل واریانس چندمتغیره از طریق نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ استفاده شد. میانگین و انحراف استاندارد سن شرکت‌کنندگان به ترتیب ۱۶/۳۵ و ۱/۷۷ به دست آمد.

ابزار سنجش

پرسشنامه دل‌بستگی به والدین و همسالان (IPPA). پرسشنامه دل‌بستگی به والدین و همسالان (IPPA)^۲ به منظور ارزیابی ادراک نوجوانان از ابعاد مثبت، منفی و عاطفی-ذهنی روابط آنها با والدین، توسط آرمسدن و گرینبرگ (۱۹۸۷) تدوین شده است. هدف از ساخت این پرسشنامه، بررسی این موضوع است که چگونه این افراد (والدین و همسالان) می‌توانند منبع امنیت روان‌شناختی برای فرد باشند. این پرسشنامه حاوی ۲۸ سوال است که هر چه نمره بالاتر باشد، نشان‌دهنده آن است که ایمنی بیشتری در روابط وجود دارد. شرکت‌کنندگان میزان تطابق هر جمله را در مورد خود بر روی یک مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت (از کاملاً مخالفم ۱ تا کاملاً موافقم ۵) نشان می‌دهند. در پژوهش فتحی و مهرابی‌زاده‌هنرمند (۱۳۸۷) میزان پایایی برای این

دیوئر (۲۰۰۱) نشان می‌دهد که جوانان خانواده‌های طلاق گرفته در آینده به‌طور معمول انتخاب همسر و ازدواج را به‌عنوان تعهد مادام‌العمر باور ندارند. بنابراین با توجه به آنچه بیان شد، شکل‌گیری نگرش در دوران کودکی ممکن است مکانیسم انتقال طلاق بین‌نسلی^۱ باشد (لینگ استید و انگلهرت، ۲۰۰۹). در همین راستا، خجسته‌مهر، ممبینی و اصلانی (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای با عنوان "مقایسه نگرش به ازدواج و طلاق و دل‌بستگی به همسالان در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی خانواده‌های عادی و طلاق" نشان دادند که بین دانش‌آموزان خانواده‌های طلاق و عادی از لحاظ متغیرهای مذکور تفاوت معناداری وجود دارد. جو (۲۰۰۵) نیز در مطالعه خود با عنوان "بررسی سبک‌های دل‌بستگی در فرزندان خانواده‌های طلاق و عادی" نشان داد که فرزندان خانواده‌های طلاق از سبک دل‌بستگی ناایمن برخوردارند. موتا و ماتوس (۲۰۰۹) هم در پژوهش خود نشان دادند که فرزندان خانواده‌های طلاق و عادی از نظر عزت‌نفس با هم تفاوت دارند و این تفاوت به نفع فرزندان عادی است. اتاو (۲۰۱۰) نیز نشان داد که طلاق والدین تأثیر منفی بر نوع ارتباطات فرزندان می‌گذارد. با استناد به مطالب فوق و با توجه به این که تاکنون پژوهشی به مقایسه سه متغیر ارائه شده در بین فرزندان خانواده‌های طلاق و عادی جامعه ایرانی نپرداخته است، بنابراین مطالعه حاضر با هدف مقایسه دل‌بستگی به والدین، دانش و نگرش جنسی و نگرش نسبت به انتخاب همسر در بین دانش‌آموزان خانواده‌های طلاق و عادی انجام شد. فرضیه‌های پژوهش عبارتند از: فرضیه اول: بین دل‌بستگی به والدین دانش‌آموزان خانواده‌های طلاق و عادی تفاوت وجود دارد. فرضیه دوم: بین دانش و نگرش جنسی دانش‌آموزان خانواده‌های طلاق و عادی تفاوت وجود دارد. فرضیه سوم: بین نگرش نسبت به انتخاب همسر دانش‌آموزان خانواده‌های طلاق و عادی تفاوت وجود دارد.

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر دبیرستانی خانواده‌های طلاق و عادی شهر خرم‌آباد در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ است. نمونه مورد نیاز برای این

2. Inventory of Parent and Peer Attachment (IPPA)

1. intergenerational divorce

کل مقیاس ۰/۸۸ در سطح یک صدم معنادار بودند و پایایی بازآزمایی مقیاس را تأیید کردند (بشارت، ۱۳۸۴). در پژوهش مومنی و آزادی‌فرد (۱۳۹۵) ضرایب آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های دانش جنسی و نگرش جنسی به ترتیب برابر با ۰/۸۷ و ۰/۹۱ بود. بشارت (۱۳۸۴) روایی سازه^۶ این پرسشنامه را به روش تحلیل عامل اکتشافی^۷ بر روی ۸۳۷ شرکت‌کننده، مطلوب گزارش کرد. در پژوهش حاضر میزان پایایی برای دانش و نگرش جنسی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۹ و ۰/۸۸ به دست آمد.

پرسشنامه نگرش نسبت به انتخاب همسر

(ARMSS). پرسشنامه نگرش نسبت به انتخاب همسر (ARMSS)^۸ در سال ۲۰۰۳ توسط کاب، لارسون و واتسون به عنوان مقیاس نگرش نسبت به روابط عاشقانه و انتخاب همسر بسط داده شده است. این پرسشنامه که به منظور ارزیابی باورهای الزام‌آور و محدودکننده ساخته شده است، حاوی ۳۱ سوال بوده است. مقیاس نگرش نسبت به انتخاب همسر در ایران توسط سپهری و حسن‌زاده توکلی (۱۳۹۰) ترجمه و هنجاریابی (بر روی یک نمونه ۶۳۴ نفری از دانشجویان دانشگاه‌های شهید بهشتی، شیراز و علوم پزشکی شیراز) شد. کاب و همکاران (۲۰۰۳) روایی این پرسشنامه را مطلوب گزارش کردند به طوری که روی هم‌رفته کل عامل‌ها ۴۸/۷ درصد واریانس را تبیین می‌کنند. پایایی را نیز به روش آلفای کرونباخ در عامل‌ها بین ۰/۶۷ تا ۰/۸۸ گزارش نموده‌اند. نمره‌گذاری این مقیاس در طیف ۷ امتیازی از کاملاً موافقم نمره (۷) تا کاملاً مخالفم نمره (۱) است. در پژوهش حاضر میزان پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷ به دست آمد.

پرسشنامه ۰/۹۳ گزارش شد. ناصری‌محمدآبادی، عسکری، بهرامی و همکاران (۱۳۹۱) این پرسشنامه را در جامعه ایرانی مورد تجدیدنظر قرار دادند. نتایج سنجش روایی همزمان^۱ پرسشنامه، همبستگی این مقیاس را با مقیاس‌های مراقبت و حمایت افراطی والدینی و پرسشنامه پیوند والدین را معنادار و در جهت پیش‌بینی‌شده نشان دادند و در نهایت نشان دادند که این پرسشنامه روایی و پایایی^۲ مناسبی برای انجام پژوهش در مقاصد علمی و عملی دارد. در پژوهش فتحی و مهربایی‌زاده‌هنرمند (۱۳۸۷) میزان پایایی برای این پرسشنامه ۰/۹۳ گزارش شد. میزان پایایی در پژوهش حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ^۳ ۰/۹۱ به دست آمد.

پرسشنامه دانش و نگرش جنسی (QKSA).

پرسشنامه دانش و نگرش جنسی^۴ (QKSA) دارای ۳۰ گویه است که توسط بشارت (۱۳۸۴) ساخته شد. این پرسشنامه، دو متغیر دانش و نگرش جنسی را در یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت در دامنه‌ای بین ۱ تا ۵ می‌سنجد. هر کدام از دو زیرمقیاس شامل ۱۵ سؤال است که کمترین و بیشترین نمره‌ی آزمودنی در هر یک از زیرمقیاس‌ها بین ۱۵ تا ۷۵ خواهد بود. نمره‌ی بالاتر در زیرمقیاس دانش جنسی به معنای بالا بودن دانش جنسی فرد و نمره‌ی بالاتر در زیرمقیاس نگرش جنسی به معنای نگرش مثبت‌تر نسبت به رابطه‌ی جنسی است. ضرایب آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های دانش و نگرش جنسی برای آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۹۱ و ۰/۸۸ محاسبه شد که نشانه‌ی همسانی درونی خوب مقیاس بود. ضرایب همبستگی بین نمره‌های ۴۲ نفر از آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله دو تا چهار هفته برای سنجش پایایی بازآزمایی^۵ محاسبه شد. این ضرایب برای دانش و نگرش جنسی به ترتیب ۰/۸۶ و ۰/۸۷ و برای نمره‌ی

6. construct validity
7. exploratory factor analysis
8. Attitudes about Romance and Mate Selection Scale (ARMSS)

1. concurrent validity
2. reliability
3. Cronbach's alpha coefficients
4. Questionnaire of Knowledge and Sexual Attitude (QKSA)
5. test retest reliability

یافته‌ها

دو بخش دانش جنسی و نگرش جنسی بررسی شد. شاخص‌های کجی و کشیدگی هیچکدام از عامل‌ها از ± 2 عبور نکرده و توزیع داده‌ها برای متغیرهای دلبستگی به والدین، دانش جنسی و نگرش جنسی و نگرش نسبت به همسر به تفکیک دانش‌آموزان عادی و طلاق در جدول ۱ گزارش شده است. در این پژوهش دانش و نگرش جنسی در

جدول ۱

آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش به تفکیک گروه

متغیر	عادی				طلاق			
	M	SD	کجی	کشیدگی	M	SD	کجی	کشیدگی
دلبستگی به والدین	۱۰۲/۶۱	۱۶/۰۷	-۰/۵۹۳	-۱/۰۲۴	۹۸/۴۵	۱۲/۴۷	-۰/۱۱۷	-۱/۳۲۰
دانش جنسی	۵۶/۰۴	۷/۷۲	-۱/۳۶۳	۲/۳۶۵	۵۵/۰۲	۷/۹۷	-۰/۵۷۰	۰/۲۰۵
نگرش جنسی	۵۵/۲۶	۸/۱۸	-۲/۱۳۲	۱/۵۵۵	۶۰/۴۵	۸/۰۲	-۰/۲۷۰	۰/۰۷۱
نگرش نسبت به انتخاب همسر	۱۲۰/۴۲	۱۳/۴۳	۰/۱۸۶	۱/۳۵۱	۱۱۵/۴	۹/۷۷	-۰/۳۴۲	-۰/۳۱۱

این پیش‌فرض برقرار است ($F = ۴/۰۹, p > ۰/۰۵$). پیش‌فرض دیگر این تحلیل برابری واریانس‌های خطا است. نتایج آزمون لوین حکایت از برقراری این پیش‌فرض داشت که در جدول ۲ آورده شده است.

برای بررسی تفاوت متغیرها در دو گروه لازم است از تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شود. یکی از پیش‌فرض‌های مهم تحلیل واریانس چندمتغیره، برابری ماتریس واریانس - کواریانس‌ها است که از طریق آزمون ام باکس بررسی می‌شود. نتایج آزمون ام باکس نشان داد که

جدول ۲

آزمون لوین برای بررسی برابری واریانس‌ها

متغیر	آماره F	معناداری
دلبستگی به والدین	۲/۲۳	۰/۱۲۳
دانش جنسی	۱/۶۸	۰/۱۷۱
نگرش جنسی	۱/۷۶	۰/۱۵۶
نگرش نسبت به انتخاب همسر	۱/۹۴	۰/۱۳۷

مشاهده می‌شود، بین دو گروه در شاخص‌های مورد سنجش تفاوت معناداری وجود دارد.

با توجه به برقراری پیش‌فرض‌ها در گام بعدی از تحلیل واریانس چندمتغیره (مانوا) استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول ۳ آورده شده است. همان‌گونه که در جدول ۳

جدول ۳

نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره برای تفاوت بین گروه‌ها

منبع	آزمون	آماره	F	df معناداری	df خطا	سطح معناداری	مجذور اتا
	اثر پیلایی	۰/۲۰۹	۱۱/۵۳۶	۴	۱۷۵	۰/۰۰۱	۰/۲۰۹
گروه عادی و طلاق	لامبدای ویلکز	۰/۷۹۱	۱۱/۵۳۶	۴	۱۷۵	۰/۰۰۱	۰/۲۰۹
	اثر هتلینگ	۰/۲۶۴	۱۱/۵۳۶	۴	۱۷۵	۰/۰۰۱	۰/۲۰۹
	بزرگترین ریشه روی	۰/۳۶۴	۱۱/۵۳۶	۴	۱۷۵	۰/۰۰۱	۰/۲۰۹

برای بررسی الگوهای تفاوت از تحلیل واریانس تک‌متغیره بهره گرفته شد که نتایج آن در جدول ۴ آمده است. با توجه به یافته‌های جدول ۴ مشاهده می‌شود که بین دانش‌آموزان عادی و طلاق از لحاظ دل بستگی به والدین ($p = 0/021$)، نگرش جنسی ($F = 4/790$)، نگرش نسبت به انتخاب همسر ($F = 8/22$)، تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به میانگین این مؤلفه‌ها دانش‌آموزان عادی (۱۰۲/۶۱) به نسبت دانش‌آموزان طلاق

از دل بستگی بیشتری به والدین برخوردارند. دانش‌آموزان طلاق (۶۰/۴۵) به نسبت دانش‌آموزان عادی (۵۵/۲۶) نگرش منفی و نامطلوبی به مسائل جنسی نشان می‌دهند. همچنین دانش‌آموزان عادی (۱۲۰/۴۲) نسبت به دانش‌آموزان طلاق (۱۱۵/۴) نگرش اجتماعی مناسب‌تری به همسریابی از خود نشان می‌دهند. در بین دو گروه از لحاظ دانش جنسی تفاوت معناداری مشاهده نشد.

جدول ۴

نتایج تحلیل واریانس تک‌متغیره برای مقایسه متغیرهای پژوهش در بین دانش‌آموزان عادی و طلاق

متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	اندازه اثر
دل بستگی به والدین	۹۸۷/۰۹	۱	۹۸۷/۰۹	۴/۷۹	۰/۰۲۱	۰/۰۵۲
دانش جنسی	۴۷/۰۲۲	۱	۴۲/۰۲۲	۰/۷۶۶	۰/۳۸۳	۰/۰۰۴
نگرش جنسی	۱۲۱۱/۶۰	۱	۱۲۱۱/۶۰	۱۸/۴۳	۰/۰۰۱	۰/۰۹۴
نگرش نسبت به انتخاب همسر	۱۱۳۵/۰۲۲	۱	۱۱۳۵/۰۲۲	۸/۲۲	۰/۰۰۵	۰/۰۴۴

(۱۳۹۲)، جو (۲۰۰۵)، موتا و ماتوس (۲۰۰۹) هماهنگ و همسواست.

در تبیین این یافته می‌توان گفت وقتی والدین تعارضات زناشویی را تجربه می‌کنند و یا طلاق می‌گیرند نمی‌توانند آن‌طور که شایسته است به نیازهای فرزندان‌شان پاسخ دهند و بیشتر بر مشکلات خود تمرکز می‌کنند، کودکان نیز نمی‌توانند از والدین خود به‌عنوان پایگاهی امن برای کاویدن محیط استفاده کنند، به همین دلیل دل بستگی ایمنی به والدین خود ندارند و ارتباط ضعیفی با آنان دارند. جو (۲۰۰۵) نیز نشان داد که چون خانواده‌های طلاق همیشه درگیر اختلافات خانوادگی و مشکلات زناشویی هستند، این مساله خود زمینه‌های پرورش سبک دل بستگی

بحث

پژوهش حاضر با هدف مقایسه دل بستگی به والدین، دانش و نگرش جنسی و نگرش نسبت به انتخاب همسر در دانش‌آموزان خانواده‌های طلاق و عادی انجام گرفت. در پاسخگویی به فرضیه اول پژوهش مبنی بر مقایسه دل بستگی به والدین در دو گروه طلاق و عادی با استناد به نتایج تحلیل داده‌ها می‌توان گفت که دل بستگی به والدین در دو گروه مورد مطالعه تفاوت معناداری با هم داشت؛ به‌گونه‌ای که دانش‌آموزان طلاق در مقایسه با دانش‌آموزان عادی، از دل بستگی کمتری نسبت به والدین خود برخوردارند، لذا فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود. این یافته پژوهش با یافته‌های اتاوا (۲۰۱۰)، خجسته‌مهر، ممبینی و اصلانی

نسبت به انتخاب همسر بود؛ یعنی فرزندان خانواده‌های طلاق نگرش منفی و ناپایداری نسبت به انتخاب همسر دارند. بنابراین، فرضیه سوم پژوهش تایید می‌شود. این یافته با یافته‌های خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۹۲)، گانونگ، کلمن و براون (۱۹۸۱) و هیتن (۲۰۰۲) هماهنگ و همسو است. در طول دوران کودکی تجربه‌های خانواده، نقشی حیاتی را در ساختن نگرش‌ها، باورها و انتظارات فرزندان بازی می‌کنند. فرزندان با مشاهده روابط زناشویی والدینشان یاد می‌گیرند که ازدواج و زندگی خانوادگی چگونه باید باشد؛ بنابراین وقتی فرزندان در محیطی زندگی کنند که به طور مداوم بین والدین تعارض وجود داشته باشد یا والدین بعد از تعارضات زیاد طلاق می‌گیرند، فرزندان آن خانواده براساس الگویی مشاهده‌ای یاد می‌گیرند که ازدواج و انتخاب همسر برای همیشه پایدار نیست. نتایج پژوهش نشان‌دهنده‌ی متفاوت بودن دل‌بستگی به والدین، نگرش جنسی و نگرش نسبت به انتخاب همسر در دانش‌آموزان خانواده‌های طلاق و عادی است. بنابراین درمانگران و مشاوران خانواده می‌توانند با تکیه بر یافته‌های چنین پژوهش‌هایی کلاس‌ها و کارگاه‌های مؤثری جهت افزایش اطلاعات در مورد مسائل و مشکلات طلاق که گریبانگیر فرزندان خانواده‌های طلاق می‌شود را به‌منظور زندگی زناشویی و خانوادگی سالم برای خانواده‌ها برگزار نمایند. نمونه پژوهش حاضر را دانش‌آموزان دختر دبیرستانی تشکیل دادند که به لحاظ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی قشر خاصی هستند. بنابراین تعمیم نتایج به جامعه‌ی بزرگتر باید با احتیاط صورت گیرد. به دلیل تمرکز پژوهش بر مسائل جنسی، پژوهشگران با مشکلات فراوانی در جهت توجیه آزمودنی‌ها برای شرکت در پژوهش و محرمانه ماندن اطلاعات مواجه بودند. بنابراین، پژوهش‌های آتی بر روی نمونه‌ی دانش‌آموزان پسر و همچنین نمونه‌های دیگری غیر از دانش‌آموزان مانند دانشجویان نیز اجرا شود. از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر، اندازه اثر پایین بود که امید آن است در پژوهش‌های آتی با اجرای دقیق این مطالعه به نتایج بهتری دست یافته شود.

به صورت نالیمن را برای فرزندان فراهم می‌سازد. موتا و ماتوس (۲۰۰۹) نشان دادند که زمانی در خانواده‌ها درگیری و تنش بین والدین وجود دارد، فرزندان نوعی نگرش منفی نسبت به خانواده و والدین کسب می‌کنند که این نوع نگرش را به خود تعمیم می‌دهند و این امر زمینه خودکم‌بینی و پایین آمدن عزت‌نفس را در آنان موجب می‌شود. از نظر اتاو (۲۰۱۰) طلاق و جدایی والدین نوع ارتباطات فرزندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به این شکل که این فرزندان در ارتباطات صمیمی مثبت با همسالان یا گروه‌های دیگر ناموفق عمل می‌کنند.

یافته دیگر این پژوهش حاکی از تفاوت معنادار دانش‌آموزان طلاق و عادی از نظر متغیر نگرش جنسی بود؛ یعنی دانش‌آموزان خانواده‌های طلاق در مقایسه با دانش‌آموزان خانواده‌های عادی، نگرش منفی و نامطلوبی نسبت به مسائل جنسی از خود بروز می‌دهند. بنابراین فرضیه دوم پژوهش در بخش اول آن تایید می‌شود ولی در ارتباط با تفاوت در دانش جنسی دانش‌آموزان خانواده‌های طلاق و عادی تایید نمی‌شود؛ یعنی این دو گروه از لحاظ دانش و اطلاعات جنسی در سطح همسانی قرار دارند. این یافته پژوهش با یافته‌های شفیع‌زاده‌ماهانی (۱۳۹۶)، مومنی و آزادی‌فرد (۱۳۹۵) و نادری، حیدرئی و حسین‌زاده‌مالکی (۱۳۸۸) هماهنگ و همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که شناخت و دانش فرد می‌تواند به ادراک و توانایی برای حل مشکلات بیانجامد. آگاهی و دانش جنسی زوجین نیز لذت و بهبود رابطه‌ی زناشویی و عاطفی بین آنها را در پی دارد. اگر زوجین در زندگی خود شناخت بیشتری نسبت به این بعد مهم رابطه داشته باشند، قادر خواهند بود که شیوه‌های ارتباطی خود را تغییر دهند و آنها را بهبود بخشند. ناآگاهی و کمبود دانش جنسی و کسب اطلاعات نادرست درباره‌ی رابطه‌ی جنسی نه تنها منجر به افزایش تعارضات و آسیب‌های جنسی زوجین می‌شود، بلکه موجب ایجاد تعارضات در مورد مسائل جنسی در بین فرزندان نیز می‌شود، چراکه فرزندان این‌گونه خانواده‌ها به موازات نگرش و رفتارهای جنسی والدین به الگویی و یادگیری می‌پردازند.

یافته آخر این پژوهش نیز حاکی از تفاوت معنادار فرزندان خانواده‌های طلاق و عادی از نظر متغیر نگرش

منابع

- باقریان، م.، و کاظمیان، س. (۱۳۹۰). ارتباط نگرش نسبت به ازدواج و طلاق با مولفه‌های جو اجتماعی خانواده در دانشجویان دانشکده پرستاری حضرت زینب(س) لارستان. *فصلنامه دنا*، ۶، ۲۰-۱۲.
- بشارت، م. ع. (۱۳۸۴). *ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس دانش و نگرش جنسی*. گزارش پژوهشی دانشگاه تهران.
- بشارت، م. ع.، میرزایی، ط.، غلامعلی لواسانی، م.، و نقی‌پور، م. (۱۳۹۶). نقش تعدیل‌کننده عواطف مثبت و منفی در رابطه بین دانش و نگرش جنسی با رضایت زناشویی. *دوفصلنامه روان‌شناسی خانواده*، ۴، ۱۸-۳.
- خجسته‌مهر، ر.، ممینی، ج.، و اصلانی، خ. (۱۳۹۲). مقایسه نگرش به ازدواج و طلاق و دل بستگی به همسالان در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی خانواده‌های عادی و طلاق. *مجله روان‌شناسی مدرسه*، ۲، ۷۵-۵۷.
- سپهری، ص.، و حسن‌زاده توکلی، م. ر. (۱۳۹۰). بررسی اعتبار و روایی مقیاس نگرش‌های مربوط به انتخاب همسر. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۷، ۴۱۹-۴۰۱.
- سعادت، ن.، رستمی، م.، و دربانی، ع. (۱۳۹۵). مقایسه اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد و درمان متمرکز بر شفقت در تقویت عزت‌نفس و سازگاری پس از طلاق زنان. *دوفصلنامه روان‌شناسی خانواده*، ۳، ۵۸-۴۵.
- شفیعی‌زاده ماهانی، م. (۱۳۹۶). مقایسه صمیمیت جنسی، سلامت روان و رضایت زناشویی زوجین در آستانه طلاق و عادی شهر کرمان. *سومین کنفرانس سراسری دانش و فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روان‌شناسی ایران، تهران: موسسه برگزار کننده همایش‌های توسعه‌محور دانش و فناوری سام ایرانیان*.
- شیری، ط.، گل‌محمدیان، م.، و حجت‌خواه، م. (۱۳۹۵). اثربخشی طرحواره درمانی بر نگرش‌های ناکارآمد نسبت به انتخاب همسر در دانشجویان دختر. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۷، ۱۸۸-۱۷۲.
- فتحی، ک. و.، مهربانی‌زاده هنرمند، م. (۱۳۸۷). بررسی میزان افسردگی، هیجان‌خواهی، پرخاشگری، سبک‌های دل بستگی و تحصیلات والدین به‌عنوان پیش‌بین‌های وابستگی به مواد مخدر در نوجوانان پسر شهر اهواز. *مجله مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، ۲۴، ۴۶-۲۳.
- مومنی، خ. م.، و آزادی‌فرد، ص. (۱۳۹۵). رابطه دانش و نگرش جنسی و باورهای ارتباطی با طلاق عاطفی. *دوفصلنامه آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده*، ۱، ۴۵-۳۴.
- ناصری محمدی‌آبادی، ع.، عسکری، آ.، بهرامی، ف.، صادق، ر.، و عابدی، ج. (۱۳۹۱). هنجاریابی پرسشنامه خزانه دل بستگی والدین و همسالان تجدیدنظر شده در کودکان ۹ تا ۱۱ ساله شهر اصفهان. *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، ۲، ۴۰-۲۵.
- نریمانی، م.، عباسی، م.، بکیان، م. ج.، و بختی، م. (۱۳۹۳). مقایسه اثربخشی دو رویکرد آموزش مبتنی بر پذیرش و تعهد (ACT) و روایت‌درمانی گروهی بر تعدیل طرحواره‌های ناسازگار اولیه در مراجعان متقاضی طلاق. *دو فصلنامه علمی- پژوهشی روان‌درمانی و مشاوره خانواده*، ۴، ۲۹-۱.

References

- Amato, P. R. (2001). Children of divorce in the 1990s: An update of the Amato and Keith (1991) meta-analysis. *Journal of Family Psychology, 15*, 355–370.
- Amato, P. R., & Booth, A. (1991). Consequences of parental divorce and marital unhappiness for adult well-being. *Social Forces, 69*, 895–914.
- Amato, P. R., & DeBoer, D. D. (2001). The transmission of marital instability across generations: Relationship skills or commitment to marriage? *Journal of Marriage and Family, 63*, 1038–1051.
- Axinn, W. G., & Thornton, A. (1996). The influence of parents' marital dissolutions on children's attitudes toward family formation. *Demography, 33*, 66–81.
- Bing, N. M., Nelson, W. M., & Wesolowski, K. L. (2009). Comparing the effects of amount of conflict on children's adjustment following parental divorce. *Journal of Divorce & Remarriage, 50*, 159–171.
- Bowlby, J. (1982). *Attachment and loss*. Volume 1: Attachment. New York, NY: Basic Books. (Original work published 1969).
- Breivik, K., & Olweus, D. (2006). Adolescent's adjustment in four post-divorce family structures: Single mother, stepfather, joint physical custody and single father families. *Journal of Divorce & Remarriage, 44*, 99–124.
- Cartwright, C. (2008). You want to know how it affected me. *Journal of Divorce & Remarriage, 44*, 125–143.
- Cobb, N. P., Larson, J. H., & Watson, W. L. (2003). Development of the attitudes about Romance and Mate Selection Scale. *Journal of Family Relations, 53*, 222–231.
- Amato, P. R., & Keith, B. (1991). Parental divorce and adult wellbeing: A meta-analysis. *Journal of Marriage and the Family, 53*, 43–58.
- Arkes, J. (2013). The temporal effects of parental divorce on youth substance use. *Substance Use & Misuse, 48*, 290–297.
- Armesden, G. C., & Greenberg, M. T. (1987). The inventory parent and peer attachment: Individual differences and their relationship to psychological well-being in adolescence. *Journal of Youth and Adolescence, 16*, 427–453.
- Corsini, R. (2002). Understanding and similarity in marriage. *Journal of Abnormal Social Psychology, 52*, 8–12.
- Dawson, D. A. (1991). Family structure and children's health and well-being: Data from the 1988 National Health Interview Survey on Child Health. *Journal of Marriage and the Family, 53*, 573–584.
- Ed, S., & Vincent, D. (2005). Problem behavior of boys and young men after parental divorce in the Netherlands. *Journal of Divorce and Remarriage, 34*, 3–8.
- Fraley R. C., & Heffernan, M. E. (2015). Attachment and parental divorce: A test of the diffusion and sensitive period hypotheses. *Personality and Social Psychology Bulletin, 39*, 1199–1213.
- Frank, F., Furstenberg, J. R., & Julien, O., Teitler. (1994). Reconsidering the effects of marital disruption: What happens to children of divorce in early adulthood? *Journal of Family, 15*, 173–190.
- Ganong, L., Coleman, M., & Brown, G. (1981). Effect of family structure on marital attitudes of adolescents. *Adolescence, 16*, 281–288.

- Heaton, T. B. (2002). Factors contributing to increasing marital stability in the United States. *Journal of Family Issues*, 23, 392-409.
- Herzog, M. J., & Cooney, T. M. (2002). Parental divorce and perceptions of past inter parental conflict. *Journal of Divorce & Remarriage*, 36, 89-110.
- Hong, J. S., Voisin, D. R., Chris - Hahm, H., Feranil, M., & Schafer-Kruman Mountain, S. A. (2016). A review of sexual attitudes, knowledge, and behaviors among South Korean early adolescents: Application of the ecological framework. *Journal of Social Service Research*, 42, 584-597.
- Joo, B. S. (2005). Attachment styles of parenting and non- parenting adolescents. *Journal of Family Issues*, 23, 409-426.
- Kathleen, E. K. (1992). The impact of family disruptions in childhood on transitions made in young adult Life. *Population Studies*, 46, 213-234.
- Kilmann, P. R., Carranza, L. V., & Vendemia, J. M. C. (2006). Recollections of parent characteristics and attachment patterns for college women of intact vs non-intact families. *Journal of Adolescence*, 29, 89-102.
- Laumann-Billings, L., & Emery, R. E. (2000). Distress among young adults from divorced families. *Journal of Family Psychology*, 14, 671-687.
- Lemer, J. L., Blodgett - Salafia, E. H., & Benson, K. E. (2013). The relationship between college women's sexual attitudes and sexual activity: The mediating role of body image. *International Journal of Sexual Health*, 25, 104-114.
- Lyngstad, T. H., & Engelhardt, H. (2009). The influence of offspring's sex and age at parents' divorce on the intergenerational transmission of divorce, Norwegian first marriages 1980-2003. *Population Studies*, 63, 173-185.
- Mota, C. P., & Matos, P. M. (2009). Attachment, conflict and self-esteem in adolescents from intact and divorced families. *Psicol Reflex Crit*, 22, 344-352.
- Ottaway, A. J. (2010). The impact of parental divorce on the intimate relationships of adult offspring: A review of the literature. *Graduate Journal of Counseling Psychology*, 2, 1-16.
- Ozen, D. S. (2003). The impact of interparental divorce on adult attachment styles and perceived parenting styles of adolescents: Study in Turkey. *Journal of Divorce & Remarriage*, 40, 129-149.
- Riggs, S. A., & Jacobvitz, D. (2002). Expectant parents' representations of early attachment relationships: Associations with mental health and family history. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 70, 195-204.
- Rootalu K., & Kasearu, K. (2016). Adolescents' attitudes toward divorce: Does parental influence matter in a changing society? *Journal of Divorce & Remarriage*, 57, 195-211.
- Shimkowski-Jenna, R., Punyanunt-Carter, N., Colwell, Malinda, J., & Norman- Mary, S. (2018). Perceptions of divorce, closeness, marital attitudes, romantic beliefs, and religiosity among emergent adults from divorced and nondivorced families. *Journal of Divorce & R marriage*, 59, 2-15.
- Smith, S. R., & Hamon, R. R. (2012). *Exploring family theories (3rd ed.)*. New York, NY: Oxford University Press.
- Sprecher, S., & Metts, S. (1989). Development of the "Romantic Beliefs Scale" and examination of the effects of gender and gender-role orientation. *Journal of Social and Personal Relationships*, 6, 387-411.

- Uphold-Carrier, H., & Utz, R. (2012). Parental divorce among young and adult children: A long-term quantitative analysis of mental health and family solidarity. *Journal of Divorce & Remarriage*, 53, 247–266.
- William G. A., & Arland, T. (1996). The influence of parents' marital dissolutions on children's attitudes toward family formation. *Demography*, 33, 66-81.
- Wolfinger, N. H. (2005). *Understanding the divorce cycle: The children of divorce in their own marriages*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Zill, N., Morrison, D. R., & Coiro, M. J. (1993). Long-term effects of parental divorce on parent-child relationships, adjustment, and achievement in young adulthood. *Journal of Family Psychology*, 7, 91–103.